باستان‌شناس پیشکسوت درگذشت

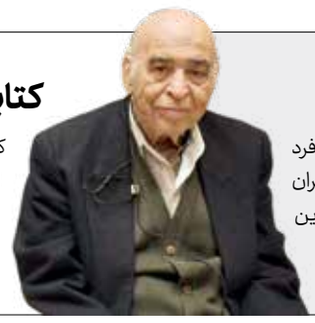

رضا مستوفی‌فرد، پیشکسوت باستان‌شناسی و موزه‌داری دیروز در ۸۸ سالگی درگذشت. مستوفی‌فرد بعد از چند سال ادامه تحصیل در دانشگاه پنسیلوانیا، از سال ۱۳۴۵ تدریس خود را در دانشگاه تهران آغاز کرد. هر چند او سال ۱۳۷۶ بازنشسته شد اما تدریس خود را تا سال ۱۳۹۶ ادامه داد. از مهم‌ترین کارهای او راه‌اندازی موزه مقدم و نظارت بر کاوش‌های مناطق باستانی دشت قزوین است.

کتابی درباره فتنه باب

کتاب «سیدعلی‌محمد شیرازی(باب) و شورش بابی‌ها در مازندران» نوشته سینا فروزش به‌تازگی توسط انتشارات سروش منتشر و راهی بازار نشر شده است. پرسش محوری کتاب این بوده که نقش عوامل درونزا و برونزا در زایش و تداوم جریان بابیگری چه بوده است؟ کتاب حاضر از یک مدخل یا فصل مقدماتی و سه بخش تشکیل شده و با شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۱۲۵ هزار تومان منتشر شده است.

دیدار روسای رسانه ملی و سازمان سینمایی؛ سینماگران رابه رفع مشکلات این ۲ حوزه امیدوار کرده است/عکس: خبرگزاری صداوسیما

نظرهایی وجود داشته باشد. من معتقدم گاهی اهدافی که تلویزیون دنبال می‌کند، خطاست و نیاز به بازنگری دارد. اما آنجاها که می‌شود مشارکت کرد، این همکاری‌ها موثر خواهد بود؛ مثلا وقتی قرار است فیلمی به عنوان یک محصول فرهنگی تولیدشده با هزینه بالا در سینما اکران شود، تلویزیون می‌تواند کمک کند که بیننده اولا از تولید و نمایش آن فیلم مطلع شود و بعد هم تشویق به تماشای آن شود. این هم به لحاظ اقتصادی به نفع کشور است و هم به لحاظ فرهنگی، چون باید بپذیریم یک نهاد رسمی آن اثر تولیدشده را حمایت می‌کند. تلویزیون با وجود شرایط بد اقتصادی سینما می‌تواند نقش حمایتگرانه داشته باشد. گاهی هم به حضور نقش نظارتی تلویزیون در فضاهایی خارج از تلویزیون نیاز است، البته این نظارت باید تعریف شده باشد و نه براساس اختلاف سلیقه‌ها. این جنبه حمایتی تلویزیون درباره نمایش آثار سینمایی هم می‌تواند وجود داشته باشد که اگر با قیمت مناسب خریداری شود و بینندگان بیشتری بتوانند از طریق تلویزیون این آثار را ببینند، هم تولیدکننده منتفع می‌شود و هم بیننده‌ای که امکان ندارد آن اثر فرهنگی را در سینما ببیند، موفق به تماشای آن از تلویزیون می‌شود. این کارگردان بحث تقسیم کار میان سینما و تلویزیون را هم مهم می‌داند و می‌گوید: تلویزیون و سینما باید به عنوان رسانه‌هایی مهم و تاثیرگذار باید بدانند چه جایگاه و وظایفی دارند. در سرفصل‌های مشترک که مشکلی برای همکاری وجود نخواهد داشت، اما آنجا که به وظایف همدیگر ورود می‌کنند و ممکن است اختلاف نظرهایی پیش می‌آید، به نظرم باید با دیدار و جلسه و گفت‌وگو به نقاط مشترکی رسید. همین دیدار روسای محترم سازمان صداوسیما و سازمان سینمایی و صحبت از تشکیل یک کارگروه مشترک می‌تواند مثبت و امیدوارکننده باشد و مردم هم دلخوش به این هستند که نتایج مثبت این همکاری را ببینند، اما این همکاری و رسیدن به نقاط مشترک، صرفا نباید منحصر به یک جریان سیاسی خاص باشد که الان در دولت و مجلس و صداوسیما در راس کار هستند. در ضمن تنها همین نزدیکی و هماهنگی هم کافی نیست و خروجی و نتیجه این همکاری هم اهمیت فراوانی دارد. به نظرم باید فارغ از نگاه سیاسی و جناحی، در چنین همکاری‌هایی از سرمایه‌های انسانی بخش فرهنگ که دیدگاه سیاسی متفاوتی با مسوولان و مدیران فعلی دارند هم استفاده کرد.

من آدم‌هایی را می‌شناسم که ممکن است با نگاه سیاسی جریان حاکم در دولت و سینما و تلویزیون همسو نباشند، اما چه بخواهیم و چه نخواهیم اینها آدم‌های فرهیخته، پخته و باتجربه و البته دلسوز و متدین هستند. این‌که ما با برچسب‌های مختلف این افراد را دور کنیم و از تجربه و تخصص‌شان استفاده نکنیم، درست نیست و باعث خسارت خواهد بود. در مجموع امیدوارم این نزدیکی و وحدت منجر به راه‌حل‌هایی برای رسیدگی به وضعیت به‌شدت به هم ریخته فرهنگی شود. این وضعیت فرهنگی موجود هیچ‌کسی را راضی نمی‌کند و باید ورای بحث‌های سیاسی، گفت‌وگو کنیم و از همدیگر کمک بگیریم تا وضعیت فرهنگی کشوری که همه آن را دوست داریم و به دین آن اعتقاد داریم، ارتقا پیدا کند.

برزیده: صحبت از تشکیل یک کارگروه مشترک می‌تواند مثبت و امیدوارکننده باشد و مردم هم دلخوش به این هستند که نتایج مثبت این همکاری را ببینند، اما این همکاری و رسیدن به نقاط مشترک، صرفا نباید منحصر به یک جریان سیاسی خاص باشد

کشور - که مطلقا در بعضی عرصه‌ها نداریم یا خیلی ضعیف است- همین همگرایی‌های مدیران و مسوولان در جاهای مختلف است که آنها را به‌صورت جزایر پراکنده درآورده است و اگر این واگرایی‌ها و تشتت‌ها تبدیل به یک همگرایی جدی در راس هرم فرهنگی شود، بسیار کارآمد خواهد بود و مردم از یک رویه و جهت مشترک و متحد برخوردار خواهند شد و می‌بینند همه یک جهت و یک کلام، راجع به مسائل فرهنگی یک حرف را می‌زنند و تکلیف آنها بیشتر مشخص است. اما الان اینطوری نیست و می‌بینیم تلویزیون، کاری را به درستی رد کرده، چون کار بدی بود و مشکل داشت، اما به یک صورت دیگری در شبکه نمایش خانگی مجوز می‌گیرد و تبدیل به اثری می‌شود که سراپا افتضاح و ابتذال است. اینها باید در جایی مدیریت شود، من معتقدم باتوجه به این‌که وزارت ارشاد مسوولیت رسانه‌های خانگی را هم به عهده دارد، باید این اتحاد و این کارگروه مشترک را فقط مختص سینما و تلویزیون قرار ندهیم، بلکه باید تمام مجموعه‌های دست‌اندرکار امور تصویری مثل حوزه هنری، پلتفرم‌های تولید و پخش فیلم و رسانه‌های خانگی با مدیریت شورای‌عالی انقلاب فرهنگی را هم دربرگیرد. یعنی نباید این نهادها به تنهایی در این خصوص تصمیم بگیرند، چون ممکن است در آن میان یکی کاری را انجام دهد که در این وحدت و اتحاد، خلل ایجاد کند و آسیب بزند. اما اگر فعالیت این کارگروه مشترک با مدیریت و نظارت شورای‌عالی انقلاب فرهنگی یا حداقل با حضور نماینده‌ای از آنها انجام شود، خیلی موثرتر خواهد بود. بعد هم مجلس شورای اسلامی وارد شود و موارد تاییدشده را به قانون تبدیل کند تا ان‌شاءا... نتیجه ماندگاری داشته باشد.

بحث‌های سیاسی را کنار بگذاریم

عبدالحسن برزیده، از کارگردان‌های شناخته شده سینما و تلویزیون درباره همگرایی و هم‌افزایی سینما و تلویزیون و تشکیل کارگروه مشترک این دو رسانه به جام‌جم می‌گوید: ارکان هر کشوری باید با هم هماهنگ باشد، یعنی وزارتخانه‌ای مثل فرهنگ و ارشاد باید با وزارتخانه‌ای مثل نفت هم ارتباط ارگانیک خیلی نزدیک داشته باشد.

وقتی از نهادهایی از یک جنس صحبت مثل فرهنگ می‌کنیم، طبیعی است نهادهای فرهنگی باید به هم نزدیک شوند. هم به‌خاطر این‌که از ریخت و پاش‌هایی که متاسفانه شده و می‌شود، جلوگیری کنند و هم به‌خاطر جلوگیری از برخی موازی‌کاری‌ها که گاهی حتی در تقابل با یکدیگر هستند. بنابراین طبیعی است دو نهاد قدرتمند مثل سازمان صداوسیما و سازمان سینمایی در جهت اهداف مشترک با یکدیگر همکاری کنند. البته ممکن است راجع به اهداف، اختلاف

خبر

در مراسم رونمایی از «جهان کودکان مراکز شبانه‌روزی» عنوان شد

جامعه نیازمند ترحم‌زدایی از کودکان بی‌سرپرست است

همزمان با روز مادر از کتاب «جهان کودکان مراکز شبانه‌روزی» با حضور فاطمه برزگر، مؤسس و مدیرعامل بنیاد خیریه زینب‌کبری(س)، محمدعلی بهمنی و مصطفی رحماندوست از شاعران معاصر و گروهی از هنرمندان و فعالان فرهنگی و اجتماعی رونمایی شد.

به گزارش جام‌جم، در این مراسم سمانه نایینی، مدیر روابط‌عمومی بنیاد زینب‌کبری(س) درباره این کتاب گفت: این کتاب شامل دو بخش است. بخش اول، بررسی جهان ساکنان و پرورش یافتگان مراکز شبانه‌روزی و بخش دوم، جهان کودکان شبانه‌روزی از دریچه نگاه مربیان که در هر یک از این بخش‌ها به تجربه زیسته کودکانی که در مراکز شبانه‌روزی زندگی کرده‌اند از منظر میدانی و از دریچه پژوهشی پرداخته شده است و مطالعه این کتاب می‌تواند برای همه افراد جامعه به‌خصوص کسانی‌که دغدغه و مسوولیت پرورش این کودکان را دارند راهگشا باشد.

وی گفت: لازم است نگاه جامعه نسبت به این کودکان اصلاح شود و یکی از دغدغه‌ها و فعالیت‌های بنیاد در تمام این سال‌ها فرهنگ‌سازی و ترمیم نگرش جامعه و ترحم‌زدایی از این کودکان بوده است.

سپس مصطفی رحماندوست در این خصوص از این بنیاد خیریه و هدف‌های آن و کتاب‌هایش صحبت‌هایی کرد و محمدعلی بهمنی، حضار این برنامه را مهمان چند بیت شعر کرد.

در بخش بعدی برنامه صدیقه توکلی از تجربه شکل‌گیری این کتاب گفت. همچنین محمدحسین شمسایی، ویراستار کتاب نیز با بیان این‌که در زمینه کودکان بی‌سرپرست و مراکز شبانه‌روزی پژوهش‌های میدانی بسیار کم بوده است، گفت: درحال حاضر در سراسر جهان مراکز شبانه‌روزی را بر پایه شبه خانواده می‌گردانند و کسی که با مطالعات جهانی آشنا باشد می‌تواند این طرح را اجرا کند. اگر این کتاب را مطالعه کنید متوجه خواهید شد این کتاب فقط خاطره‌گویی نیست و طرح یک موضوع اجتماعی از نگاه مددکاران، مربیان و بچه‌های این مجموعه است. این جهان را از یک نگاه بیرونی ارزیابی کرده‌ایم. به همین دلیل است که نام این کتاب جهان کودکان مراکز شبانه‌روزی است.

در پایان این مراسم از این کتاب رونمایی شد و به رسم یادگار مهمانان آن را امضاء کردند.

منوچهر فخاریان:

جوهران یک تجربه متفاوت است

نمایشگاه آثار نقاشی منوچهر فخاریان در گالری ایده با استقبال تماشاگران روبه‌رو شد. او هنرمندی اهل آبادان است که تخصصش مرتبط با حفاری نفت است، در زمینه راهسازی تجربه دارد اما علاقه به شعر و نقاشی جهانش را تغییر داد و او را به محضر اساتیدی چون جلال متولی و هانیبال الخاص کشاند.

به گزارش جام‌جم، تازه‌ترین نمایشگاه فخاریان با نام «جوهران» برگزار شد که نتیجه یک تکنیک جدید در نقاشی است. او درباره این تکنیک به جام‌جم گفت: در ابتدای فعالیت، بیشتر با اکرولیک و گواش و سپس به توصیه یکی از دوستان روی کاغذدیواری کار کردم و از پس‌زمینه‌ای که به من داد، تصمیم گرفتم رنگ‌های دیگری را روی آن امتحان کنم و با تمرین‌های زیاد به ترکیب تازه‌ای از جوهر رنگ و حلال‌های مختلف رسیدم که نامش را جوهران گذاشتم.

او درباره تاثیر شعر بر نقاشی‌هایش گفت: ظرف یک‌سال گذشته سعی کرده‌ام با کار زیاد زمان‌های از دست رفته را جبران کنم. به همین دلیل گاهی از شعرهایم برای خلق آثار کمک گرفتم و گاهی هم از آثارم برای سرودن شعر الهام گرفتم. به‌طور مثال تابلوی درهم تنیده را براساس این شعر کشیده‌ام: درهم تنیده گشتیم/ عشق است مامن ما/ چون ریشه در زمین است/ هرگز جدا نسازد/ حتی تبر تن ما.

او معتقد است هر حرکت جدیدی می‌تواند مبنایی باشد برای پویندگان راه آفرینش و هنر و خلق آثار زیبا و برداشت‌های انتزاعی جدید با استفاده از رنگ‌های متنوع و هم‌افزایی بیشتر رنگ‌ها با هم.

تابلوی عاشورایی/احمد خلیلی‌فرد

به نظر شما تغییرات ایجاد شده در هنر پس از انقلاب، تغییرات زیربنایی بود یا صرفا شکلی و محدود؟

هم محتوایی بود و هم شکلی. پیش از انقلاب نقاشان به جز انقلاب روسیه و منابع هنری آن، منبع و مأخذی نداشتند. شکل کارهای آن دوره بسیار شبیه و تحت‌تأثیر آثار نقاشان انقلابی روسی تزاری است؛ ولی امروز شما می‌بینید بسیاری از نقاشان ما به درجه استادی و مرتبه خاصی از پختگی رسیده‌اند، که کارشان کمتر تحت‌تأثیر دیگران است و بیشتر جنبه ایرانی و اسلامی دارند.

هنر انقلاب و هنرمند انقلابی نزد شما چه تعریفی دارد؟

قبل از انقلاب یک نوع نگرشی در هنرهای تجسمی بوده‌است که بعد از انقلاب تغییر پیدا می‌کند. حوزه هنری و مکتب نقاشان آن به جود می‌آید. نقاشانی که درباره موضوع دفاع از مرزها و سربازان وطن فعالیت می‌کنند و حتی برای لمس این مساله در جبهه حاضر می‌شوند. مانند آن دوست نقاشی که با حضور در خرمشهر دیوارنگاره‌هایی در مسجد جامع خرمشهر نقش می‌کند.

این مکتبی که از حوزه به وجود آمد خیلی تأثیرگذار بود و هنوز هم نفس می‌کشد و رشد و بالندگی دارد. این بخشی از هنر انقلابی است. قبل از انقلاب چنین فضایی ایجاد نشده‌بود. هنر انقلابی می‌تواند تأثیر مقطعی داشته‌باشد و هنرمندان را تهییج کند، به روحیه مبارزان کمک کند و در اطلاع‌رسانی وقایع انقلاب مؤثر باشد. درعین‌حال هنرمند انقلابی می‌تواند رمانتیک هم باشد، هنرمند رمانتیک هم می‌تواند انقلابی باشد. چون این موضوع بستگی به زمان دارد. زمانی که کشور شما مورد تهاجم چند کشور قرار می‌گیرد، شما نمی‌توانید وارد فاز رمانتیک بشوید. در هر حال جنگ بر شما تأثیر می‌گذارد. خوب لازم است در تشخیص و تحلیل کردن این موضوع، خیلی دقیق باشیم تا بتوانیم بفهمیم اصلا هنر چیست و چطور آن را به هنر انقلابی یا غیر آن دسته‌بندی کنیم. یک مرز باریک در این تحلیل کردن وجود دارد.

بحث تأثیرگذاری مطرح شد، کدام یک از کارهای خود را تأثیرگذارتر می‌دانید یا بیشتر آن را دوست دارید؟

این سؤال خوبی است. البته نه برای یک نقاش پرکار. چون اصلا نمی‌دانم چند اثر کشیده‌ام. چند روز پیش یک کارگاه آموزشی به نام «سرو ایرانی» و به مناسبت دومین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد. تمام آثار اکران شده پرتره‌های این شهید بود اما در قسمتی از نمایشگاه، بنیاد روایت فتح به‌عنوان برگزارکننده نمایشگاه گنجینه‌ای از آثار با موضوع دفاع‌مقدس را نیز به نمایش گذاشته‌بود. من آنجا یکی از کارهای خودم را دیدم که بسیار من را متعجب و خوشحال کرد، چون اصلا انتظار نداشتم. این کار را ۱۰سال پیش به یاد شهید عباس بابایی برای بنیاد روایت فتح کشیده‌بودم.

بنابراین نمی‌توانم بگویم کدام اثرم را بیشتر دوست دارم اما می‌توانم بگویم کدام دوره از کارکردن و نقاشی کشیدن را دوست دارم. برای مثال ۱۰سال اخیر و پیش‌از کسالت و مریضی، از همه دوره‌ها برایم عزیزتر است. در این دوره بادقت، ظرافت، تأنی و وسواس، رنگ‌ها را کنار هم می‌چیدم. این دوره از زندگی و نقاشی‌ام را بیشتر دوست دارم؛ چون همراه و هزمان با تفکر است.

اگر مردم و علاقه‌مندان بخواهند دنبال اثر و ردی از شما در شهر بگردند، کجا می‌توانند آن را ببینند؟

چند دیوارنگاری عارفانه در دیواره‌های بزرگراه شهید نواب‌صفوی نقاشی کرده‌ام. البته چون زمانی گذشته و مورد بی‌مهری شهرداری قرار گرفته، رنگ‌ها ریخته و کم‌رنگ شده‌است. همچنین در خیابان ولی‌عصر(عج) محدوده پارک ساعی، یا در مرکز شهر در خیابان حافظ محدوده خیابان انقلاب نقاشی‌های دیواری داشتم.

در موزه هنرهای معاصر و موزه هنرهای دینی امام‌علی(ع) نیز چند اثر از من موجود است. آخرین کار من اثر «ظهر عاشورا» در ابعاد ۲/۵ در ۶ متر است که در ضلع جنوبی ایستگاه متروی شادمان واقع در خیابان آزادی نصب شده‌است. البته من چندان عنوان گذاشتن برای اثر را نمی‌پسندم و اکثر آثار من به جز موارد خاص، اسم ندارند.